

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق جلالی

(لوامع النور فی مکارم الاخلاق)

تألیف:

جلال الدین دوانی (۹۰۸-۸۰۳ ق)

تصحیح انتقادی:

علی محمد پشتدار

دانشیار دانشگاه پیام نور

دکتر حسین پشتدار

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

فیبا

اخلاق -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Ethics--Early works to 20th century

اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Islamic ethics--Early works to 20th century

نثر فارسی -- قرن ۹ ق.

Persian prose literature--15th century

پشتدار، علی محمد، ۱۳۳۹ - مصحح

پشتدار، حسین، ۱۳۶۱ - مصحح

۱۳۹۵ / ف ۱۳ / ۱۱۸۵ BJ

۱۷۷۸

۳۲۴۲۲۲۱

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

■ اخلاق جلالی

(لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق)

■ سرویراستار مجموعه اخلاق: استاد دکتر سید محمد حسین

■ تصحیح انتقادی: علی محمد پشتدار

(دانشیار دانشگاه پیام نور)

am.poshtdar@gmail.com - ۰۲۱۲۲۵۰۱۸۴۹-۰۹۳۷۶۴۱۲۶۰۰

حسین پشتدار (دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران)

■ چاپ و صحافی: آوا

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۹-۵۱-۸

■ چاپ اول: ۱۳۹۵ ■ شمارگان: ۳۰۰ نسخه ■ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست

دیباچه.....	۵
پیش‌گفتار.....	۷
الف. دین اسلام و دینی اخلاق.....	۹
ب. اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق اسلامی.....	۱۰
- مبانی اخلاق دینی اسلام.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵
تدبیر منزل:.....	۱۷
سیاست مدن:.....	۱۸
۲. اخلاق جلالی.....	۱۹
۳. شرح زندگانی مؤلف:.....	۲۰
۳-۲. آثار و تألیفات وی:.....	۲۴
مناظرات امیر صدرالدین شیرازی و علامه دوانی.....	۲۹
۵. ارزش‌های ادبی اثر اخلاق جلالی.....	۳۲
لامع اول در تهذیب اخلاق و درو ده لمعه است.....	۳۳
لمعه اول در حصیر مکارم اخلاق.....	۹۵
لمعه دوم در رسوم این فضایل.....	۱۰۳
لمعه سوم [انواع حکمت].....	۱۰۵
لمعه چهارم [فرق میان فضایل و رذایل].....	۱۲۲
لمعه پنجم [حد هر فضیلت در گرایش به رذیلت].....	۱۳۲

۱۳۹	لمعه ششم در بیان شرف عدالت
۱۶۵	لمعه هفتم در اقسام عدالت
۱۷۱	لمعه هشتم در ترتیب اکتساب فضایل
۱۷۷	لمعه نهم در حفظ صحت نفس
۱۸۶	لمعه دهم در معالجت امراض نفسانی
۲۴۱	لامعه دوم در تدبیر منزل و در وی شش لمعه است
۲۴۱	لمعه اول در سبب احتیاج به منزل
۲۴۴	لمعه دوم در سیاست اقوات و اموال
۲۵۱	لمعه سوم در سیاست اهل
۲۵۹	لمعه چهارم در سیاست اولاد
۲۷۶	لمعه پنجم در رعایت حقوق پدران و مادران
۲۷۹	لمعه ششم در سیاست خدمت
۲۸۷	لامعه سوم در تدبیر مدن و رسوم و آداب و در هفت لمعه است
۲۸۷	لمعه اول در احتیاج انسان به تعالیه و فضیلت این فن از حکمت
۲۹۷	لمعه دوم در فضیلت محبت
۳۲۰	لمعه سوم در اقسام مدینه
۳۲۷	لمعه چهارم در سیاست مُلک و آداب مُلوک
۳۵۷	لمعه پنجم در آداب خدمت و رسوم مَقربان سلاطین و بیاب دولت
۳۶۴	لمعه ششم در فضیلت صداقت و وظایف معاشرت با غریبا
۳۷۱	لمعه هفتم در آداب معاشرت با طبقات ناس
۳۹۹	تعلیقات
۴۴۲	واژه نامه
۴۶۳	آیات و عبارات عربی
۴۷۲	اشعار فارسی
۴۷۷	اشعار عربی

دیباچه

اخلاق جلالی از جمله کتب اخلاق به زبان فارسی است که در قرن نهم به دست جلال الدین رومی به رشته تحریر درآمده است. موضوع این کتاب در حکمت عملی است و به بخش تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن به شیوه «اخلاق دصیره» تالیف خواجه نصیرالدین طوسی به نگارش درآمده است.

پیش گفتار

انسان موجودی است دو بُعدی، روان و تن، این دو بُعد ضمن تعامل با یکدیگر مقامات سعادت و کمال وی را فراهم می‌کنند. روان آدمی به اقتضای وجودش در حایق کلیات هستی و امور معنوی سیر می‌کند و در این وادی به دنبال سیراب کردن خویش است، و تن به اقتضای ذات خود که برآمده از جهان خاکی است سعادتهای خود را در برخورداری از محصولات همین جهان مادی می‌داند.

مکاتب دینی و غیردینی براساس بُعد روان و تن در انسان برای او وظایفی ترسیم کرده‌اند و در این مسیر راه سعادت و خوشبختی را به او نشان داده‌اند تا خود به انتخاب احسن اهتمام ببرد. ادیان و مکاتب بشری مجموعه‌ای از نگرش‌های هستی‌شناسانه و نگاه علمی به خویشتن و هستی است که به این مجموعه نگرش اصطلاحاً آموزه یا تئوری می‌گویند. (حکمت نظری)

بعد دیگر که متوجه عمل و کارکرد است، روش نام دارد، بر همین اساس حکمت عملی یا راه عملی برای رسیدن به سعادت بر طبق آموزه‌های فکری شکل می‌گیرد.

دین، مجموعه‌ای از عقاید (= آموزه) و دستورهای عملی و اخلاقی (= روش) است که پیامبران(ص) از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر

آورده‌اند. اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در هر دو جهان است. انسان به اقتضای آن که زنده است هیچ‌گاه از پاننشسته است و همواره برای بهتر زیستن، با فطرت خدادادی خود تلاش و کوشش مبذول داشته است.

بنابراین انسان نه تنها از راه ناچاری کار می‌کند، بلکه از این جهت که از آن است، فعالیت‌های گوناگون از خود نشان می‌دهد و برای این که با شرر و قوای عقلی خود دریافته است که از هر راه که هست باید سعادت و خوشبختی زندگیش را تأمین کند، دست از کار و کوشش بر نمی‌دارد و در راه رسیدن به خیرات و نجات خود گام بر می‌دارد، از این جاست که انسان در هر محیطی و با هر روشی زندگی نماید، دینی یا غیردینی، قانونی یا استبدادی، شهری یا روستایی، ای خود یک رشته تکالیف و وظایفی حس می‌کند که به جا آوردن آن، آرزوی واقعی او را برآورده می‌کند و برای خود زندگی خوش و سعادت‌مندانه را فراهم می‌سازد.

پس در وظیفه‌شناسی و انجام عملی آن، وظایف، مهمترین مسأله نظری و عملی است که انسان در زندگی خود با آن روبروست، چه اهمیت این مسأله همان اهمیت انسان است و کسی که از انجام وظایف مسلم خود سر باز زند یا کوتاهی کند به همان میزان از مقام والای انسانیت سقوط می‌کند. چون وظایف انسانی ارتباط کامل با سعادت و زندگی انسان دارد و مکاتب و حیانی و مکتب‌های غیروحیانی در تعریف حدود این وصایا اختلاف نظر دارند. دین معتقد است که زندگی انسان یک زندگی نامحدود و بی‌پایان است که با مرگ به پایان نمی‌رسد و سرمایه‌بخش پس از انتقال از این جهان، همان فرآورده‌ی عقاید پاک و صحیح و اخلاق پسندیده و اعمال صالحه‌ای است که انسان در این دنیا برای خود کسب کرده است. دین مقررات خود را در حوزه‌ی خداشناسی و بندگی خدا که اثر بارز آن پس از مرگ و روز رستاخیز جلوه می‌نماید، وضع کرده است. روش‌های غیردینی، هر چه باشد،

تنها سعادت زندگی چند روزه‌ی این جهان را در نظر دارد و برای انسان وظایفی تعریف می‌کند که در سایه‌ی آنها از زندگی مادی و منافع جسمانی که میان آدمی و سایر حیوانات مشترک است، بهتر بتواند برخوردار شود؛ یعنی یک زندگی حیوانی با منطقی که از احساسات و عواطف و حوش سرچشمه می‌گیرد، برای انسان تنظیم می‌کند و دیگر توجّهی به واقع‌بینی انسان و زندگی جاوید و مملو از معنویات او ندارد.

الف. دین اسلام و مبانی اخلاق

دین اسلام یک پیام عمومی و همیشگی است که از جانب خدای متعال برای زندگی انسان در هر دو جهان، بر پیامبر خاتم (ص) نازل شده است تا در جامعه‌ی بشری به اجرا برآید. اساس هستی انسان را از گرداب جهالت و بدبختی بیرون آورده و به دنیا و آخرت اوجات و خوشبختی برساند. بنابراین دین برنامه‌ی زندگی است ناگزیر نسبت به نوعی با زندگی ارتباط دارد، وظیفه‌ای برای انسان تشخیص داده و انجام آن را از او خواسته است. به طور کلی زندگی نوع انسان با سه امر ارتباط دارد:

۱. با خدای متعال (آفریدگار) که ما آفریده‌ی او هستیم و ادای حق نعمت او از هر حقی بزرگتر و وظیفه‌شناسی نسبت به ساحت مقدّس او از هر واجبی، واجب‌تر است. مبنای این وظیفه ایمان به مبدأ قیامت و منشأ هستی است که مبنای آن خودشناسی و تهذیب نفس است.

۲. وظیفه‌ی دوم انسان نسبت به خویشتن است؛ از حیث جسمانی و روحانی. به حکم عقل و فطرت الهی انسان باید برای دو بُعد روان و تن غذای لازم را فراهم کند.

۳. ادای وظیفه نسبت به هموعان که ناگزیریم با آنان زندگی کنیم و کار و کوشش خود را با همیاری و همکاری ایشان به نتیجه‌ی مطلوب برسانیم.

- وظیفه‌ی انسان در برابر خدا همان ایمان قلبی و قالبی نسبت به او است با اوصافی که خداوند در قرآن ترسیم فرموده است که شاید بهترین نمونه‌ی آن سوره‌ی حمد و آیات کریمه‌ی آن باشد.

فرد مسلمان با قرائت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» اَلرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» ناظر به ایمان فرد است نسبت به ظهور و حضور او در هدایت و تا روز رستاخیز است.

- وظیفه‌ی انسان در برابر خود، یعنی این که انسان خوشبختی دنیا و آخرت خود را از کسی بخواهد که خود او، وی را آفریده و به تمام ابعاد وجودی او نگاه دارد؛ بنابراین می‌گوییم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ (= مذهب نفس و خودشناسی است).

- و اما وظیفه‌ی انسان در برابر دیگران که در اصطلاح حکمت عملی به تدبیر منزل و سیاست مَدَنی اطلاق می‌شود و در زبان قرآن همان «صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» است، فرد از خداوند تقاضا می‌کند که او را به راه نیکان و سعادت‌مندان حقیقی هدایت کند و دیگران را نیز به آن راه فرابخواند و در مقابل از افتادن به راه گمراهان و مغضوب‌شدگان در امان بماند و خود نیز از غضب‌مندان و گمراهان نباشد.^۱

ب. اخلاق، اخلاق فلسفی، اخلاق اسلامی

اخلاق جمع خُلُق و خَلَق است و بیشتر به صورت جمع به کار می‌رود و در فارسی معادل آن خوی است.

در اصطلاح حکیمان «عبارت از ملکه‌ایی است که به واسطه‌ی آن فعل از

۱. در بیان این پیش‌گفتار از منابع زیر با تصرف سود جستیم:

- تعالیم اسلام، علامه سید محمدحسین طباطبائی. ص ۳۱-۳۲/۱۹۳-۲۱۵/۱۹۴، چ هشتم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱، قم، ایران.

نفس به آسانی و بدون به کار بردن اندیشه صادر می‌شود؛ باید گفت که اخلاق بر همه‌ی افعالی که از نفس صادر می‌شود، خواه پسندیده، خواه ناپسند اطلاق می‌شود. معمولاً به مجموعه‌ی اخلاقی که به کار پسندیده ختم گردد «ادب» می‌گویند.

مقصود از علم اخلاق، معرفت فضایل و کسب آنهاست تا نفس بدان‌ها آراسته شود و نیز شناخت «رذایل» تا نفس از آنها دوری جوید و پاکیزه گردد. تاریخ علمی و عملی اخلاق در عهد اسلامی از همان قرون اولیه دو مکتب و دو مشرب برای رسیدن به این فضایل و دوری از رذایل پیش رو قرار گرفت. یکی مکتب مبنی بر فطرت و فکرت قرآنی و اسلامی بر مبنای آموزه‌های خداوند و سیره‌ی نبوی (ص)؛ و دیگری مشرب فکری عقلانی براساس آثار ترجمه‌شده از متون یونانی از گفته‌های ارسطو و افلاطون.

در جهان اسلام کتب و آرای بسیاری براساس دو مشرب فوق به رشته تحریر در آمد و آثاری هم با تلفیق هر دو مشرب تألیف شد.

ابوعلی مُسکویه رازی (۳۲۰-۴۲۱ ق) با تألیف اثر معروف خود به عنوان «تهذیب الاخلاق» نخستین فردی است که اخلاق ارسطویی را فقط در باب تهذیب نفس (اخلاق فردی) شهرت داد. پس آثار ابن‌الحسن عامری در کتاب رسائل و خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصیه در این باب پیشنهاد کردند. در گروه تلفیق که اخلاق عملی ارسطویی را با آموزه‌های مبنی بر مذهب در آمیختند می‌توان از امام محمد غزالی، فیض کاشانی و ملا احمد براق نام برد.

مبنای اخلاق دینی اسلامی

۱. قرآن و حدیث: نخستین پایه که در نوشتن اخلاق دینی اسلامی باید در نظر داشت، آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) و مُندرجات کُتب سیره و آثاری همانند اینهاست.

۲. کتب کلام و عقاید: یکی دیگر از مبانی اصلی شکل‌گیری اخلاق دینی و اسلامی است. کتب کلام و عقاید مانند: مقالات الاسلامیین اشعری، آلمغنی قاضی عبدالجبار همدانی، کتب متعدد امام الحرمین جوینی، امام محمد غزنوی، فخر رازی و آثار شیخ طوسی، شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی و نیز تجرید الاعتقاد خواجه‌ی طوسی است.

کتاب عرفان و تصوف: سومین پایه‌ی اخلاق دینی اسلامی آثار عرفا و صوفیه است که از سده‌ی دوم و سوم هجری با الهام از قرآن کریم و سنت نبوی (ص) و بیره‌ی علی (ع) در تربیت فردی و اجتماعی مسلمانان تأثیر شگرفی داشته است. او حامد محمد غزالی میان اخلاق فلسفی یونانی و اخلاق دینی اسلام ترکیبی اساسی و وسیع صورت داد. نظریات تربیتی و اخلاقی او در آثارش به ویژه «ایاء علوم‌الدین» و «کیمیای سعادت» هنوز قابل نقد و بررسی است.^۱ بعد از غزالی می‌توان گفت خواجه‌ی طوسی در میان گروه تلفیق تأثیرگذار بود و پس از افعال مکتب فلسفی خراسان به شیراز در قرن هشتم و نهم اندیشمندان مکتب شیراز در پایه‌ریزی اخلاق دینی با تلفیق دین و عقل و عرفان (= اشراق) بسیار مهمی کردند. جلال‌الدین دوانی در اخلاق جلالی و غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی در اخلاق منصور و کتب اخلاقی دیگری چون اخلاق محسنی، اخلاق حسنیه، اخلاق شمسی و... تا عصر صفویه که دوران شکوفایی این مجموعه از عارفان اسلامی و شیعی است. در عصر صفویه نویسندگان بزرگی چون میرداده‌ی باد سدرالدین شیرازی، ملا صدرا، ملا محسن فیض‌کاشانی آثار قلمی بسیار عمیقی در این زمینه تألیف کردند که برخی از این آثار هنوز در شکل نسخه‌ی خطی است و تصحیح انتقادی نشده است. از این گروه شاید ملا محمد نراقی در جامع‌السعادات و پس از او معراج‌السعادة از ملا احمد نراقی است که در عصر

۱. مقدمه تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه، علی اصغر حلبی. صص ۱۱، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۱. با تصرف، چ اول ۱۳۸۱، اساطیر، تهران، ایران.

قاجار به رشته‌ی تحریر در آمده است. در عصر حاضر ضمن تصحیح و تنقیح آثار اخلاقی اسلامی و فلسفی که در طول هزار سال گذشته تحت لوای فرهنگ غنی اسلام و قرآن به رشته‌ی تحریر در آمده، آثار اخلاقی - عرفانی جدیدی به فارسی و عربی ظهور یافته که در جای خود قابل تحقیق و بررسی است. آثاری از صاحب قلمانی چون آیت... محمدعلی شاه‌آبادی، آیت... روح... خمینی، آیت... حسن حسن‌زاده آملی، آیت... جوادی آملی و...

شان ذکر است کتاب اخلاق جلالی قرن‌ها در میان فارسی‌زبانان شبه‌قاره از جمله ستون آموزش درس اخلاق بوده و در مدارس دینی به خواندن آن اهتمام بسیار داشته‌اند. نخستین بار این کتاب در همان‌جا به زیور طبع آراسته شده است. اما مأسفانه در ایران تاکنون چاپ انتقادی نشده است. مصححان با انتخاب چهار نسخه خطی که در مقدمه معرفی شده است سعی داشته‌اند نسخه‌ای منقح به ۱۱۱۱ آن این حوزه عرضه نمایند.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید

علی محمد پشت‌دار^۱

دانشیار دانشگاه پیام‌نور

نهران - خراسان - تهران

۱. دانشیار گروه علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور - ۰۲۱۲۲۵۰۱۸۴۹ -

am.poshtdar@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه نهران Hposhtdar@Gmail.com